



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

Executive Guarantees of Individual and Social Rights and Freedoms in Iranian and Iraqi Law

Amirhossein Khabouri Gol Ashkenani ¹, Ali Faghih Habibi ², Mohammad Varasteh Bazghale ³

1. PhD Student, Department of Public Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: ahkhamir3732@gmail.com

2. Department of Public Law, South Tehran, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).

Email: a_faghih@azad.ac.ir

3. Department of Public Law, Parand Central Branch, Islamic Azad University, Parand, Iran. Email: m.varasteh62@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 11 Apr 2025

Received in revised form 21 Apr 2025

Accepted 3 May 2025

Available online 28 Sep 2025

Keywords:

Guarantees, individual rights and freedoms, social rights and freedoms, Iranian law, Iraqi law.

Individual and social rights and freedoms are important human rights issues that, especially in recent decades, have gained increasing significance due to the globalization of human rights and the growing public awareness. This has made the examination of the guarantees of these rights, particularly from a comparative perspective, necessary. The aim of this paper is to explore the important question of what the guarantees for individual and social rights and freedoms are in the legal systems of Iran and Iraq. The results indicate that in the Iranian legal system, the President's duties in implementing constitutional principles related to the rights of the people, the powers of the Parliamentary Commission of Article 90, and the powers of judicial and quasi-judicial bodies such as the Administrative Justice Court, are among the most important mechanisms for guaranteeing individual and social rights and freedoms. In Iraq's legal system, the explicit mention of individual and social rights and freedoms in the Constitution, judicial oversight of the implementation of constitutional principles, judicial bodies and guarantees, and the role of civil society and non-governmental organizations are key factors that ensure individual and social rights and freedoms. Overall, Iran's legal system provides more guarantees for individual and social rights and freedoms compared to Iraq, although certain aspects of social rights, such as the right to hold public gatherings, may be limited due to considerations like public order, with no defined executive guarantee for them. The conclusion is that the rule of law and adherence to the principle of separation of powers can influence the guarantees of individual and social rights and freedoms. This paper is descriptive-analytical in nature and employs a library-based research method to address the question under discussion.

Cite this article: Khabouri Gol Ashkenani, Amirhossein., Faghih Habibi, Ali., Varasteh Bazghale, Mohammad. (2025). Executive Guarantees of Individual and Social Rights and Freedoms in Iranian and Iraqi Law. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 3 (3), 23- 45. <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2057647.1124>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2057647.1124>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

تضمینات اجرایی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران و عراق

امیر حسین خابوری گل اشکنانی^۱ | علی فقیه حبیبی^۲ | محمد وارسته بازقلعه^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: ahkhamir3732@gmail.com

۲. گروه حقوق عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: a_faghih@azad.ac.ir

۳. گروه حقوق عمومی، واحد پرند مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، پرند، ایران. رایانامه: m.varasteh62@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶

کلیدواژه‌ها:

تضمینات، حقوق و آزادی‌های فردی،

حقوق و آزادی‌های اجتماعی،

حقوق ایران،

حقوق عراق.

حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی از مسائلی مهم حقوق بشری هستند که به‌ویژه در دهه‌های اخیر، تحت تأثیر جهانی شدن حقوق بشر و افزایش آگاهی‌های عمومی، اهمیت بیشتری یافته‌اند. این امر، بررسی تضمینات این حقوق به‌ویژه با رویکرد تطبیقی را ضروری ساخته است. هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال مهم است که تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران و عراق چیست؟ نتایج نشان داد که در نظام حقوقی ایران، وظایف رئیس‌جمهور در اجرای اصول قانون اساسی مرتبط با حقوق ملت، اختیارات کمیسیون اصل ۹۰ قوه مقننه و اختیارات محاکم قضایی و شبه قضایی مانند دیوان عدالت اداری از مهم‌ترین سازوکارهای تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی به‌شمار می‌روند. در حقوق عراق نیز تصریح حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در قانون اساسی، نظارت قضایی بر اجرای اصول قانون اساسی، مراجع و ضمانت‌های قضایی و نقش جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی از جمله عواملی هستند که به تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی کمک می‌کنند. در مجموع، در نظام حقوقی ایران نسبت به حقوق عراق، تضمینات بیشتری برای حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی تعیین شده است، هرچند برخی از مصادیق حقوق و آزادی‌های اجتماعی مانند حق برگزاری تجمعات ممکن است تحت تأثیر مصالحی چون نظم عمومی محدود شده و ضمانت اجرایی برای آن تعریف نشده باشد. نتیجه‌گیری این است که حاکمیت قانون و رعایت اصل تفکیک قوا می‌تواند در تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی تأثیرگذار باشد. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مطرح‌شده پرداخته است.

استناد: خابوری گل اشکنانی، امیر حسین؛ فقیه حبیبی، علی؛ وارسته بازقلعه، محمد (۱۴۰۴). تضمینات اجرایی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در

حقوق ایران و عراق. *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۳ (۳)، ۴۵-۲۳.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2057647.1124>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی به‌عنوان حقوق قانونی هر شخصی که بر روی زمین زندگی می‌کند تعریف می‌شود. این حقوق نباید نقض شوند، زیرا تضمین‌کننده زندگی شایسته بوده و همگان از این حقوق بهره‌مند هستند (العالی، ۲۰۰۴: ۱۶). یکی از دغدغه‌های قوانین اساسی کشورها، مسئله تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی است. در واقع، از جهت شناسایی و انعکاس در قوانین اساسی و حتی در قوانین عادی کشورها غالباً اشکالی نیست، انواع حقوق و آزادی‌ها شامل حق مالکیت، حق ازدواج، حق داشتن مسکن، حق آزادی بیان و آزادی عقیده، حق آزادی شغل، حق آزادی آموزش و پرورش صریحاً مورد پذیرش قرار گرفته، اما واضح است که صرف اعلام حقوق و آزادی‌ها به تنهایی راهبر و عاملی در جهت پاسداشت و برپایی حقوق و آزادی‌ها نیست و تنها اعلام کردن حقوق افراد دارای حالتی انتزاعی است. بدین منظور ابزارهایی برای اجرای این حقوق لازم است. از این‌رو در کشورهای مختلف قانون‌گذاران هرکدام ضمن اعلام حقوق ملت در قانون اساسی و با اعلامیه‌های حقوقی تسهیلاتی برای برپا داشتن و تضمین اجرای حقوق ملت اندیشیده‌اند و ضمن تبیین حقوق شهروندان در قوانین اساسی در قوانین عادی ضمانت‌های لازم را برای تحقق آن حقوق ایجاد نموده و برقرار کرده‌اند؛ به‌عبارت‌دیگر اصل اساسی نیز بر این است که افراد از همه حقوق متصوره برخوردارند و هیچ‌کس یارای آن نباشد که دست‌تاول بر آموال و حقوق انسان‌ها بزند. بدین منظور در درازمدت صرف‌نظر از بحث در رابطه با مبانی حقوق و آزادی‌های افراد برای حفظ و پاسداری از حقوق خود و صیانت از آن‌ها این حقوق اولیه را قانون‌گذاری کردند و برای آن تضمیناتی ایجاد و اجرا نمودند آشکار است منظور از «تضمینات» راهکارها و تدابیری است که قوانین موضوعه برای حفظ تأمین و حراست از حقوق و آزادی‌های فردی مقرر نموده است. در خصوص حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران، پژوهش‌های متعددی انجام شده است: جواد شایان فر و امیر حمزه سالارزایی، در مقاله‌ای، به بررسی تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان پرداخته‌اند (شایان فر و سالارزایی، ۱۳۹۲: ۱۱۲ - ۹۱).

علی اسداله‌زاده و خیرالله پروین نیز در مقاله‌ای، مصادیق «حقوق ملت» و محدوده مشروعیت آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه را تحلیل کرده‌اند (اسداله‌زاده و پروین، ۱۳۹۷: ۲۶ - ۷). همچنین مهدی پیروزفر، رامین ولی‌زاده میدانی و سید اسدالله اطهری، در مقاله‌ای، حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مانیفست فکری جریان ملی گوروش ترکیه را به‌صورت تطبیقی بررسی کرده‌اند (پیروزفر و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۴ - ۹۷)؛ اما هدف این مقاله بررسی تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران و عراق است. همین امر نوآوری و تمایز این پژوهش نسبت به پژوهش‌های انجام شده است. بر اساس آنچه گفته شد، سؤال مهم این است که تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران و عراق چیست؟ در این مقاله تلاش شده تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران با نگاهی به حقوق عراق بررسی شود. حقوق عراق از این جهت انتخاب شده است که داری روابط تاریخی و فرهنگی با ایران بوده و مانند ایران از کشورهای اسلامی است که می‌تواند در ایجاد درک دقیق‌تری از تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران تأثیرگذار باشد. به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران و سپس در حقوق عراق بررسی می‌شود.

۱. تضمینات اجرایی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران

تضمین امنیت اجتماعی شهروندان از وظایف دولت می‌باشد و نظام‌های سیاسی متعهد هستند که تدابیر مختلفی را جهت این مهم به کار بندند چراکه؛ کارکرد حقوق اساسی و دولت و نهادهای حاکمیتی تأمین امنیت و اجرای قانون می‌باشد. در این قسمت به بررسی تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

۱-۱. تضمینات اجرایی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در قانون اساسی

قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین محور قوانین در تعیین و تعریف حقوق و آزادی‌های فردی از یک سو و حد و مرز حقوق آزادی‌های شهروندان در برابر عملکرد قدرت از سوی دیگر، حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه حقوق و آزادی‌های فردی ترسیم می‌کند (محمد نژاد، ۱۳۷۸: ۴۰-۳۵). این قانون که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع است، در کنار تعیین و تعریف حدود و حقوق و آزادی‌های فردی، متضمن تأمین و تضمین حقوق و آزادی‌های ملت‌ها نیز می‌باشد (قاضی، ۱۳۸۳: ۳۹). به‌عبارت‌دیگر «قانون اساسی متشکل از مجموعه مقررات، قواعد و اصول کلی است که شکل حکومت، سازمان‌های عالی قوای کشور در ارتباط آن‌ها را با یکدیگر و حقوق و آزادی‌های افراد ملت را در مقابل دولت مشخص می‌نماید قانون اساسی هر کشور محور اصلی نظام سیاسی و حقوقی (مدنی) کشور و انتظام بخش همه شئون حکومت و تعیین‌کننده روابط اصلی قوای عالی عمومی جامعه است» (140: 145-Fellman, 1958)؛ و اجرای دقیق آن همه راه‌های استبداد و خودکامگی را مسدود می‌سازد. «درواقع قانون اساسی تضمین‌کننده آزادی، حرمت انسانی و حقوق افراد است» (مدنی، ۱۳۷۰: ۲۳). در فصل سوم قانون اساسی حقوق و آزادی‌های شهروندان تحت عنوان «حقوق ملت»، مجموعاً در ۲۶ اصل پیش‌بینی شده است (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۲۳۴)؛ مانند حق برخورداری از حمایت اصل بیستم حق حضانت از فرزند در اصل بیست و یکم، حق مصونیت حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل حق انتخاب شغل در اصل بیست و هشتم، حق دادخواهی در اصل سی و چهارم، حق برخورداری از آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه در اصل سی و هفتم که هر یک از اتباع ایرانی از این حق برخوردارند. «در مورد مصادیق حقوق اساسی افراد، اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۴۱۵-۷۳/۶/۲۱ عدم رسیدگی به شکایات و تظلمات و عدم اجرای احکام صادره از مراجع قضایی را از نوع مصادیق این بزه دانسته» (طباطبایی مومنی، ۱۳۹۰: ۲۱) اشعار می‌دارد: «عدم رسیدگی به شکایات و تظلمات و عدم اجرای احکام صادره از مراجع قضایی نقض حقوق و آزادی‌هایی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای ملت در نظر گرفته شده و خلاف وظایف و رسالتی است که دولت و قوه قضاییه علی‌الخصوص نسبت به ایجاد امنیت قضایی به عهده دارند و هیچ‌یک از وزرا و مقامات و مأمورین دولتی نمی‌توانند آزادی افراد را سلب یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن‌ها داده محروم کنند» (کشاورز، ۱۳۷۵: ۳۹).

البته برخی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در قانون اساسی مورد تأکید و تصریح قرار گرفته اما ضمانت اجرایی برای آن تعیین نشده است. «آزادی اجتماعات یکی از آزادی‌های اساسی است و آن عبارت است از این که افراد بتوانند آزادانه و به‌طور مسالمت‌آمیز دورهم گرد آیند و از افکار و عقاید یکدیگر بهره‌گیرند و هیچ‌گونه مانع و رادعی برای تجمع آن‌ها در بین نباشد» (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۶). شهروندان حق دارند در گروه‌بندی‌های گوناگونی با سرشت سیاسی، اجتماعی، صنعتی، اقتصادی و نظایر آن شرکت کنند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۱).

بآنکه اصل بیست و هفتم قانون اساسی تصریحاً اعلام می‌دارد: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلامی نباشد آزاد است»، در تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب، موکول به کسب مجوز شده است. بدین معنی که «برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب مخل به مبانی اسلام نباشد ... آزاد است». سازوکار تعیین مصادیق مخل به مبانی اسلام مشخص نشده و چنانچه به هر دلیلی کمیسیون حق برگزاری اجتماعات را جایز ندانسته و نقض نماید، ضمانت اجرای مشخصی برای آن تعیین نشده است.

۱-۲. حمایت رئیس‌جمهوری از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی به‌عنوان مجری قانون اساسی

«در ایران رئیس‌جمهور که منتخب مستقیم مردم (اصل ۱۱۴)، مظهر حاکمیت ملی (اصل ۶) و در مقابل مردم مسئول است (اصل ۱۲۲)، می‌تواند نزدیک‌ترین ارتباط حقوقی و منطقی سازمان‌یافته را با مردم داشته باشد. این ارتباط، در جای خود، برای این مقام مسئول ایجاد حق و تکلیف می‌کند که نسبت به حقوق مردم در تلاش و تکاپو باشد» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۱). «از این بابت، قانون اساسی، بر اساس تعهد اخلاقی و تکلیف قانونی رئیس‌جمهور، وی را موظف به پاسداری از حقوق مردم نموده است» (هاشمی، ۱۳۹۱: ۸۹). رئیس‌جمهور «در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند» یاد می‌کند که خود را «وقف خدمت مردم» و «پشتیبانی از حق و گسترش عدالت» بسازد و «از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است» حمایت کند (اصل ۱۲۱). «این سوگند که بنا به تفسیر شورای نگهبان، شرعاً اثر حقوقی نیز بر آن مترتب است (نظر شرعی ۱۳۶۵/۱۲/۶ شورای نگهبان به رئیس‌جمهور)، مسؤولیت سنگینی را بر عهده‌ی رئیس‌جمهور می‌گذارد که در انجام وظایف گوناگون، در مقام خطیر ریاست قوه‌ی مجریه و ریاست دولت (اصل ۱۱۳ تا ۱۴۲)، ریاست شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶)، عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام (اصل ۱۱۲) و دیگر سمت‌ها، هنگام اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا، باید مراقب و دلوایس حقوق مردم باشد؛ بنابراین، رئیس‌جمهور، به‌عنوان یک مقام عالی سیاسی (اصل ۱۱۳) و عضو بسیار مؤثر زمامداری کشور، به‌عنوان امینی پارسا، اخلاقاً موظف به ایفای وظیفه‌ی سنگین پاسداری از حقوق مردم خواهد بود» (هاشمی، ۱۳۹۱: ۹۰). در این خصوص، موضع‌گیری‌های ارشادی و عملی رئیس‌جمهور، در ایفای وظایف قانونی خود، مجموعاً می‌تواند اثر حمایتی داشته باشد.

۱-۳. حمایت قوه مقننه از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی

در نظام حقوقی کشور ما که شکایات مردمی اولین بار تحت عنوان «عرض حال» در اصل سی و دوم قانون اساسی مشروطیت پیش‌بینی شده بود در اصل ۹۰ قانون اساسی کنونی بدین ترتیب مقرر شده است: «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایت رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند». در اجرای این اصل نظارتی و حمایت‌کننده از حقوق مردم، کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مسؤولیت رسیدگی و تحقیق نسبت به شکایات واصله را بر عهده دارد. عدم

همکاری دستگاه‌ها با این کمیسیون موجب مسئولیت اداری و کیفری متخلفان خواهد بود (قانون تبصره الحاقی (مصوب ۱۳۶۴/۲/۵) به ماده واحده قانون اجازه مکاتبه مستقیم (مصوب ۱۳۳۹/۱۱/۱)). بر این اساس می‌توان چنین برداشت کرد که «اقدامات مجلس بیشتر جنبه سیاسی و اطلاعی دارد و اثر روانی بر جامعه و اثر توصیه و هشدار بر دستگاه‌های دولتی به‌جا می‌گذارد. این اقدامات در مجموع می‌تواند اصلاح امور و امنیت خاطر افراد را تا حدودی فراهم کند» (هاشمی، ۱۳۹۱: ۲۱). علاوه بر این، تحقیق و تفحص مجلس، مظهر اراده عام ملت است.

در اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایت رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است، رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت مناسب نتیجه را اعلام نماید و در مواردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه رساند».

«می‌توان از دو جهت مبانی اصل ۹۰ را در تضمین حقوق و آزادی‌های مورد واکاوی قرار داد. اول: مبانی اصل ۹۰ یک تظلم خواهی سیاسی است. به این معنی وقتی که افراد مشاهده نمایند که حقوق و آزادی‌هایشان در معرض خطر قرار دارد می‌توانند به مجلس شکایت کرده و مجلس این دادخواهی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در زمان‌های قدیم نیز وقتی افراد حقوق خود را در معرض تضییع شدن می‌یافتند، در مجلس تجمع می‌کردند و فریاد دادخواهی سر می‌دادند این خود یک نوع ضمانت اجرای معنوی و سیاسی برای رسیدن مردم به حقوقشان بوده است. دوم: در اندیشه تدوین‌کنندگان قانون اساسی نیز مجلس به‌عنوان یک مرجع شناخته شده است، چراکه با رأی مستقیم مردم تشکیل شده از این‌رو وقتی افراد حقوق و آزادی‌های خود را در معرض می‌بینند، مراجعه آنان به نمایندگان مجلس امر طبیعی خواهد بود. بدین معنی که علاوه بر حق تظلم خواهی و شکایت به مراجع قضایی، می‌توان از طریق باخبر کردن نمایندگان مجلس و انعکاس موضوع جو خاصی را به وجود آورد که مردم به حقشان برسند. این‌طور می‌توان نتیجه گرفت که افراد ابتدا به مراجع ذیصلاح مراجعه می‌کنند و در صورت عدم نتیجه از طرز کار قوا آنگاه به مجلس شکایت می‌برند. از طرف دیگر نتیجه کار مجلس بسیار مهم است؛ زیرا در صورت شکایت برخی از اطلاعات مربوط به جریان نامساعد امور اجرایی کشور و حوزه انتخابیه به دست نمایندگان مجلس رسیده و مقدمه سؤال و استیضاح را فراهم می‌آورد» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۶۷-۱۶۳). از این‌رو مجلس با سؤال و یا استیضاح، کارگزاران دولتی را به اجرای صحیح حقوق و آزادی‌های فردی، راهبری می‌نماید. کمیسیون اصل ۹۰ در راستای تضمین حقوق و آزادی‌های فردی با شکایت هر کس شروع به بررسی و پیگیری شکایت می‌نماید. این بدان معناست که هر شخص اعم از حقیقی و یا حقوقی می‌تواند صاحب شکایت باشد، اما این اجازه دلیل بر این امر نمی‌باشد که هر شکایتی را در مورد حقوق و آزادی‌های فردی بتوان در مجلس مطرح نمود و تقاضای رسیدگی کرد. رسیدگی شکایت در کمیسیون اصل ۹۰ منوط به این است که موضوع شکایت در صلاحیت اصل ۹۰ باشد. مطابق اصل ۹۰ قانون اساسی، «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند». بر این اساس، هر کس می‌تواند در کمیسیون اصل ۹۰ در رابطه با طرز کار هر یک از قوا در مورد حقوق و آزادی‌های فردی طرح شکایت و تقاضای رسیدگی نماید. مطابق ماده ۱۰ آیین‌نامه داخلی کمیسیون اصل ۹۰ مصوب ۱۳۸۸/۶/۳، شکایات واصله توسط اداره کل دفتر اجرایی کمیسیون ثبت بررسی و خلاصه آن با پیشنهاد مشخص

حداکثر ظرف یک هفته به مسئول ارجاعات کمیسیون منعکس می‌شود. نکته قوت کمیسیون در تضمین حقوق و آزادی‌های فردی این است که همه قوا ملزم به پاسخگویی هستند و در صورت تخلف و ثبوت جرم، به استناد تبصره الحاقی (مصوب ۱۳۶۴/۲/۵) به ماده واحده قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۱ به خاطر عدم پاسخگویی و جواب قانع‌کننده در اسرع وقت، متخلف به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال و انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. (امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۱، ج ۲: ۸۶). نتیجه رسیدگی فقط از باب تشخیص موضوع تخلف یا عدم تخلف می‌باشد و این موضوع می‌تواند مبنای حکم و نه اصل حکم باشد. مؤید این نظر اصل ۱۵۶ قانون اساسی است که یکی از وظایف قوه قضاییه را رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات بیان داشته است لیکن باید به این مطلب توجه نمود که وقتی پاسخ کافی از طریق کمیسیون اصل ۹۰ داده می‌شود به منزله رسیدگی است البته کار مجلس هم چندان عاری از نتیجه نخواهد بود، چراکه به موجب اصل ۹۰ قانون اساسی کمیسیون اصل ۹۰، پس از بررسی‌های لازم و احراز تخلف از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی خارج از نوبت می‌نماید. دادگاه پس از صدور حکم نتیجه را به کمیسیون اصل ۹۰ اطلاع دهد با این الزام قانونی کمیسیون اصل ۹۰ قادر خواهد بود حکم صادره دادگاه صالحه را که احیاناً در حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی است همراه با پاسخ کافی برای شاکی ارسال نماید.

۱-۴. تضمینات اجرایی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در مراجع قضایی و شبه قضایی

مراجع قضایی در معنای عام و گسترده شامل تمامی دادگاه‌ها و دادرها می‌باشد اعم از دادگاه‌ها و دادرهای عمومی دادگستری که به دعاوی حقوقی یا کیفری مردم رسیدگی می‌کنند و یا دادگاه‌های اختصاصی که به موجب قوانین خاص ایجاد شده‌اند. کارکرد محاکم شبه قضایی نوعی دادرسی اداری اختصاصی است. در واقع محاکم شبه قضایی؛ کمیسیون‌ها و مراجع اداری هستند که طبق قانون در سازمان‌ها و دستگاه‌های اداری تشکیل می‌شوند و به برخی دعاوی و شکایات اداری رسیدگی می‌کنند. در این قسمت، تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در مراجع قضایی و شبه قضایی بررسی می‌شود.

۱-۴-۱. تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در مراجع قضایی

برابر قوانین اساسی کشورهای مختلف، قوه قضاییه مأمور رسیدگی به شکایات و دعاوی اشخاص و پاسداری از حقوق و آزادی‌های آن‌ها در صورت تعرض اشخاص خصوصی یا عمومی به آن‌ها در حدود مقرر در قوانین است (عباسی، ۱۳۹۶). قانون اساسی ایران، ضمن توجه ویژه به امر قضا و دستگاه قضایی، در این خصوص اشاره به پاسداری از حقوق مردم دارد (دیباجه قانون اساسی) و بر تأسیس قوه قضاییه باهدف «حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت» (اصل ۶۰) تأکید می‌کند. بر اساس این قانون «قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است» (اصل ۱۵۶) و در این ارتباط، وظایفی را بر عهده دارد: الف: احیای حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع قانون اساسی در اصول گوناگون، به ویژه در فصل سوم. ب: حقوق متعددی را برای شهروندان قائل شده که در این میان، تعرض به امنیت افراد (نظیر اصول ۳۶، ۳۴، ۲۵، ۲۳، ۲۲) ممنوع و احترام به آزادی همگان در زمینه‌های مختلف (نظیر اصول

۴۶، ۴۳، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۴) لازم‌الرعايه است. از آنجا که وظیفه قوه قضاییه «احیای حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع» (بند ۲ اصل ۱۵۶) است، تضمین حقوق مذکور بر عهده این نهاد می‌باشد. در این ارتباط «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید (و) همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند» (اصل ۳۴) تا بدین وسیله قادر به احیای حقوق و آزادی‌های مخدوش یا از دست‌رفته خویش باشند (هاشمی، ۱۳۹۲: ۳۰۶). به‌عنوان مثال، موردی که قانون‌گذار ضمن بزه انگاری انتظامی در مقام حمایت از اصول دادرسی منصفانه به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر برآمده و نقض آن را تخلف انتظامی محسوب نموده و برای متخلفین، ضمانت اجرای انتظامی پیش‌بینی کرده، عدم رعایت و تخلف از مفاد ماده ۳۳۹ ق.آ.د.ک است. این ماده که به جهت حفظ و تأمین استقلال مقام رسیدگی‌کننده در طول فرایند دادرسی تصویب‌شده است، بیان می‌دارد: «پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌الیه، اخذ و به شعبه دیگر مگر به تجویز قانون ارجاع داد». در واقع، ممنوعیت مقرر در ماده ۳۳۹ به منظور تأمین استقلال قضات پیش‌بینی شده است. ماده مورد اشاره از این جهت در تحقق اجرای حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی تأثیرگذار است که با حفظ استقلال قاضی مانع از تأثیرگذاری نهادهای ذی‌ربط و تضییع حقوق شهروندان می‌شود. «استقلال، وصفی عینی و به معنای نفوذناپذیری مرجع قضایی در برابر فشارهای بیرونی است. قبول توصیه و تمکین در برابر فشارهای ناروا برای تحت تأثیر قرار دادن تصمیم مرجع قضایی، ناقض استقلال مرجع قضایی است. عوامل بیرونی ناقض استقلال مرجع قضایی، اعم از عوامل خارج از قوه قضائیه یا از درون همین قوه است. تأمین استقلال قضایی در عمل تا حد زیادی در گرو رعایت استقلال ساختاری است، به این معنا که اگر چیدمان نهادهای قوه قضائیه و یا عملکرد آن‌ها به گونه‌ای باشد که مرجع رسیدگی به دعوی در همه حال موظف به اجرای دستورات مراجع بالاتر باشد، استقلال قضایی همواره در معرض تهدید خواهد بود» (خالقی، ۱۳۹۲: ۲۵). به‌هر حال، عدم رعایت مفاد این ماده، بر اساس تبصره دو آن، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. محکومیت درجه یک تا چهار طبق ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ شامل: توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی، توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی، کسر حقوق ماهانه تا یک‌سوم از یک ماه تا شش ماه و کسر حقوق ماهانه تا یک‌سوم از شش ماه تا یک سال می‌شود. در مورد ضمانت اجرای تخلف از موضوع این ماده باید توجه داشت که اگرچه مقررات دادرسی کیفری جنبه آمره دارد و موجب بطلان تصمیمات می‌شود اما در اینجا با توجه به اینکه ضمانت اجرای تخلف در تبصره دو ماده پیش‌بینی شده، ضمانت اجرای دیگری وجود ندارد. بر همین اساس، شعبه جدیدی که پرونده به آن ارجاع می‌شود حق امتناع از رسیدگی ندارد و رأیی که صادر می‌کند، صحیح است؛ اما در مورد تمرد دادرسی شعبه از دستور مقام ارجاع و عدم تحویل پرونده به وی، تردیدی وجود ندارد. ممکن است گفته شود وی چنین حقی دارد و اگر پرونده را به رئیس حوزه قضایی نداده و به رسیدگی خود ادامه دهد، مرتکب تخلفی نشده و تصمیمی که می‌گیرد، صحیح است (زراعت، ۱۳۹۰: ۲۸۱). احتمال دیگر که منطقی‌تر می‌نماید، آن است که دادرسی دادگاه حق استتکاف ندارد بلکه مراتب تخلف را به مقام دستوردهنده گوشزد کرده و پرونده را در اختیار وی قرار دهد اما اگر از تحویل پرونده خودداری کرده و به رسیدگی خود ادامه دهد، بعید است رأیی که صادر می‌کند باطل باشد.

تضمینات عام کیفری حقوق و آزادی‌های فردی از سوی مراجع قضایی صورت می‌گیرد. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ مقرر می‌داشت: «هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نمایند علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». این ماده در سال ۱۳۸۱ به صورت زیر اصلاح شد: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نمایند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو تا سه سال محکوم خواهند شد». همان‌طور که ملاحظه می‌شود ماده اصلاحی از لحاظ شمول مقامات و مأمورین دولتی حتی به نهادهای حکومتی وابسته به دولت نیز تسری یافته و از طرف دیگر مجازات حبس را نیز از شش ماه به سه سال و پنج سال افزایش داده است اما در عوض مدت انفصال خدمت کاهش یافته است. فعل مأمورین و یا مقامات دولتی برای سلب آزادی‌های شخصی (فردی) افراد و محروم کردن آنان از حقوق مقرر در قانون اساسی می‌تواند با مباشرت یا بالتسبیب ارتکاب یابد (حجتی، ۱۳۸۴: ۹۲۱). این بدان معناست که عمل مرتکب به صورت سلب حقوق و آزادی‌های افراد به هر طریق ممکن قابل تحقق می‌باشد و به عبارت دیگر قانون‌گذار هرگونه عملیاتی را که منتهی به نقض حقوق و آزادی‌های افراد ملت شود را ممنوع و قابل مجازات می‌داند (ولیدی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۸۲). حمایت ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی به‌طور عام از حقوق و آزادی‌ها از جمله حقوق و آزادی‌های فردی است پس موضوع جرم این ماده آزادی شخصی افراد ملت و حقوق مقرر در قانون اساسی است که به واسطه اقداماتی سلب و یا محدود می‌گردد. مجازات جرم موضوع ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی حبس از دو تا سه سال و انفصال موقت از خدمت و محرومیت از مشاغل دولتی از یک تا پنج سال است. این در حالی است که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، مجازات‌های مقرر در این ماده انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال بود که مقنن در اصلاح این ماده در سال ۱۳۸۱ حداقل مدت انفصال را از سه سال به یک سال کاهش داده است، ولی در عوض حداقل مجازات حبس را از شش ماه به یک سال افزایش داده است و از این نظر می‌توان گفت مجازات جرم سلب آزادی یا محروم کردن افراد از حقوق مقرر در قانون اساسی نسبت به ماده سابق شدیدتر می‌باشد.

آزادی مراسلات و مخابرات و مکالمات تلفنی افراد جامعه به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق و آزادی‌های ملت در قوانین اساسی اکثر کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته است. در جمهوری اسلامی ایران اصل بیست و پنجم قانون اساسی به این امر اختصاص یافته و مقرر می‌دارد: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی افشاء مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون». قانون‌گذار جزائی به‌منظور تضمین این اصل موادی را در قانون مجازات عمومی و اسلامی پیش‌بینی نموده است. در زمینه‌ی هتک حرمت مراسلات و مخابرات توسط مأمورین دولتی در ابتدا ماده ۱۳۸ قانون مجازات عمومی و سپس در ماده ۶۴ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ چنین مقرر می‌داشت «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید، یا اینکه بدون

اجازه صاحبان آن‌ها مطالب آن‌ها را افشا کند به انفعال از شغل خود و شلاق تا ۷۴ ضربه یا حبس از شش ماده تا سه سال خواهد بود».

نظر به اینکه مجازات انفعال دائم از شغل و شلاق مجازات سنگینی است که در خصوص این قبیل مرتکبین به مورد اجرا گذارده می‌شد لذا قانون‌گذار در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی درصدد تغییر این مجازات برآمد (شامبیاتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۲۴). در این ماده آمده است: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آن‌ها مطالب آن‌ها را افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

لازم به ذکر است که هتک حرمت مراسلات و مخابرات یا مکالمات تلفنی از جرائم عمدی است و مرتکب باید در عمل خود علم و عمد داشته باشد (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۲۵۲). علم به این امر است که مأمور مطلع باشد هتک حرمت مراسله یا مخابره در غیر مواردی است که قانون اجازه آن اعمال را به مأمورین پست و تلگراف و یا مأمورین گمرک و غیره داده است (ولیدی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۰۸). در این صورت دادگاه مخیر است یا مأمور دولت را به مجازات حبس از یک تا سه سال محکوم نماید و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال را مورد حکم قرار دهد.

۱-۴-۲. تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در مراجع شبه قضایی

دستگاه‌های اداری در اعمال قدرت خود با اختیارات گوناگون و محدودکننده‌ای که نسبت به شهروندان دارند، ممکن است عرصه را بر حقوق و آزادی‌های مردم تنگ کنند. «قانون اساسی برای رسیدگی به دعاوی و شکایات اداری، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری در نظر گرفته است که عهده‌دار نظارت بر مطابقت آیین‌نامه‌ها و تصمیمات و اقدامات اداری قوه مجریه با قوانین و حل دعاوی بین افراد و دولت می‌باشد» (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۶: ۸۹). در این ارتباط اصل یک‌صد و هفتاد و سوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «به‌منظور رسیدگی به شکایات تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق آن‌ها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون معین می‌کند». بر این اساس دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به شکایات مردم نسبت به اقدامات تصمیمات و مقررات دولتی که آن‌ها را مغایر با قانون اساسی، قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از اختیارات قوه مجریه می‌دانند می‌باشد (عباسی، ۱۳۹۶).

«در سال ۱۳۶۱ قانون دیوان عدالت اداری تدوین و بر اساس آن دیوان تشکیل شد و در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲ این قانون مورد بازبینی قرار گرفت» (هریسی نژاد، ۱۳۹۱-۱۳۹۲: ۴). «زآنجا که فلسفه پیدایش دیوان عدالت اداری بر اساس مَر اصل ۱۷۳ قانون اساسی پاسداری از حقوق و آزادی‌های شهروندان در برابر اقدامات دولت و مأمورین آن‌هاست، موارد شکایت مردم از تضييع حقوق و آزادی‌های فردی ناشی از اقدامات و تصمیمات واحدهای دولتی به دیوان ارجاع شده و چندین رویه در تضمین حقوق و آزادی‌های فردی از دیوان را در پی داشته است» (آقایی، ۱۳۸۹: ۴۲)؛ و به این ادعا صحه گذاشته که دادگاه‌های اداری نقش بسزایی در پاسداری از حقوق و آزادی‌های شهروندان در مقابل دستگاه‌های اداری دارند (Cees van, 2014: 5). بر اساس آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تفسیر اصول مقرر در قانون اساسی، قوه مجریه نمی‌تواند با وضع آیین‌نامه به تحدید حقوق و آزادی‌های عمومی و فردی پردازد (آقایی، ۱۳۸۹: ۵).

به‌عنوان مثال، دیوان در تبیین و تفسیر مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری مقرر می‌دارد: «تحدید دایره اعمال حقوق مالکانه اشخاص و کاهش قلمرو آن بدون تمسک به حکم قانون‌گذار جواز قانونی ندارد بنابراین مصوبه مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۶ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران که استفاده از حقوق مالکانه اشخاص را در اجرای قانون تعیین تکلیف املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۷/۹/۲۹ مقید و محدود به ۱۵۰ مترمربع کرده است خلاف قانون و خارج از حدود صلاحیت شورای عالی مذکور تشخیص می‌گردد و مصوبه مذکور مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد» (دادنامه شماره (۲۷۱/۲۷۰)، به تاریخ (۳۷۹/۱۱/۱۷)، صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری)). همچنین دستگاه اداری نباید مانع از انتخاب آزادی شغل برای اشخاص گردد. در این خصوص رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در حمایت از آزادی و امنیت شغلی جلب‌توجه می‌نماید: «با توجه به حدود صلاحیت و اختیارات هسته‌های گزینش در حد تأیید و یا عدم تأیید صلاحیت داوطلبان ورود به خدمت در وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی، اظهارنظر هسته گزینش متضمن اعلام عدم اولویت افراد جهت استخدام به‌طور آزمایشی با وظایف و مسئولیت‌های قانونی آن مرجع انطباقی ندارد ...» (دادنامه شماره (۷۵/۱۱۸)، به تاریخ (۱۳۷۵/۱۰/۱۷)، صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری). به نظر می‌رسد «این رأی حق استخدام داوطلبان را که بر اساس اصول شایسته‌سالاری یعنی عدالت، برابری و کارایی شرایط استخدام شدن را دارا می‌باشد از اعمال سلاقی شخصی نجات داده است و تضمین خوبی برای آن پیش‌بینی نموده است» (نوروزی، ۱۳۸۸: ۲۸۰-۲۴۱). علاوه بر موارد مورد اشاره، هیأت عمومی دیوان در دادنامه شماره ۷۳۴ حق برخورداری عموم افراد ملت از آموزش و پرورش رایگان را تأکید نموده و بیان می‌دارد: «با توجه به این‌که مطابق ماده ۷ لایحه قانونی اصلاح مواد ۷ و ۸ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸ تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور به‌صورت رایگان و در قبال تعهد خدمت برابر مدتی که از تحصیل رایگان استفاده کرده‌اند مورد حکم مقنن قرار گرفته و پرداخت شهریه در فرضی اعمال می‌شود که کسی مایل به تحصیل رایگان نباشد و در سایر قوانین دلیلی بر محدودیت تحصیل رایگان در مراکز آموزش عالی فقط در یک مقطع وجود ندارد و از طرفی مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ دریافت هرگونه وجه کالا و خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود ممنوع اعلام شده است بنابراین قسمت اول بند ۳ مصوبه چهارم و پنجمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبنی بر پرداخت شهریه تحصیل در مقطع دکترا توسط داوطلبی که در مقطع کارشناسی از آموزش رایگان برخوردار بوده است مغایر احکام مقنن به شرح فوق‌الذکر است و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود».

۱-۴-۳. نهادهای مدنی

هرچند که وظیفه قدرت عمومی در اداره امور جامعه تأمین نظم و امنیت و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی مردم است؛ اما باید توجه داشت که اقتدار حکومتی خصوصاً تحت عنوان «نظم عمومی» می‌تواند عرصه را بر این حقوق و آزادی‌ها تنگ کند. در این صورت، اقدامات منطقی و سازمان‌یافته‌ای که دربرگیرنده مشارکت‌های مردمی باشد،

در جای خود می‌تواند زمینه مطالبه حقوق مردم و حمایت از آزادی‌ها را فراهم کند. از طرفی وابستگی و تعلق خاطر به حقوق اساسی خود حائز اهمیت است. استعداد مردمی برای مقابله با اعمال فشارهای حکومتی می‌تواند نقش تعیین‌کننده و مؤثری را برای حمایت از حقوق بشر دانست. در این مورد پایداری و مقاومت افراد نسبت به حفظ حقوق بشر خود اولین گام متعهدانه یک جامعه به نظر می‌رسد. تجربه جوامع توسعه‌یافته فکری نشان داده است که این‌گونه مقاومت‌ها در جلوه‌های مختلف فردی و جمعی خود می‌تواند ایفاگر نقش مجموعاً سازنده‌ای در حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی باشد. قوانین اساسی کشورها از جمله قانون اساسی کشور ما مقاومت‌های مردم را در عناوین مختلف نظیر تشکل‌ها، اجتماعات و راهپیمایی‌ها به رسمیت شناخته است. نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد به سبب خصلت مردمی و غیرانتفاعی خود، می‌توانند واسطه‌ای میان نهادهای دولتی و جامعه بوده و مشارکت مردمی در فرایند تحقق حقوق شهروندی را تسهیل و فراتر از آن تضمین نمایند. مشارکت مردمی در فرایند نهادینه‌سازی حقوق شهروندی در پیشگیری از ارتکاب جرائم و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی نیز منشأ اثر خواهد بود و مردم در نتیجه افزایش آگاهی‌های عمومی، خود را در رعایت هنجارهای اجتماعی ذی‌نفع و حتی مسئول می‌پندارند. علاوه بر این، سازمان‌های مردم‌نهاد از آن‌جهت که هم برآمده از افکار عمومی و هم منعکس‌کننده آن هستند، پیوسته فعالیت‌های بخش دولتی را رصد نموده و با افشای موارد نقض حقوق شهروندی در این بخش، دولت را در مقابل ملت به پاسخگویی وامی‌دارند. همین بعد نظارتی است که به ارتقاء شفافیت و پاسخگویی می‌انجامد. به‌طور کلی مفهوم نوین پاسخگویی در مباحث مدیریت دولتی، پاسخگویی به شهروندان و افکار عمومی است.

۲. تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق عراق

۲-۱. نظارت بر تصویب قوانین قوه مقننه

در قانون اساسی عراق، به مجموعه‌ای که از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی اشاره شده است (الشبر، ۲۰۰۵: ۹۴). در بخش دوم قانون اساسی عراق مصوب ۲۰۰۵ در مواد ۱۴-۴۵ با عنوان «حقوق و آزادی‌ها» به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، پرداخته شده است. این حقوق شامل حق زندگی، امنیت، آزادی، حریم شخصی، حق مسکن، عدم لغو تابعیت، اصل برائت تا اثبات جرم است (الشبر، ۲۰۰۵: ۹۵). تصریح به این حقوق در قانون اساسی به این معناست که همه مقامات دولتی باید طبق اصول قانون اساسی کشور به آن احترام بگذارند؛ اما طرح این حقوق و آزادی‌ها به تنهای تضمین‌کننده این حقوق نیست. در برخی موارد، قوه مقننه ممکن است قوانینی را وضع کند که منجر به نقض حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی شود، به‌نحوی که با ارزش‌ها و اصول قانون اساسی و از جمله حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مغایرت داشته باشد. مطابق ماده (۲/ب) قانون اساسی عراق مصوب ۲۰۰۵: «تصویب قوانینی که با حقوق و آزادی‌های اساسی مقرر در تعارض باشد جایز نیست». بر این مبنا هر قانونی که مغایر حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی باشد، باطل است. ابطال این قوانین از طریق نظارت قضایی انجام می‌شود. نظارت قضایی عبارت است از نظارت پیگیر بر وضع قوانین و عدم مغایرت آن‌ها با قانون اساسی. نظارت قضایی از طریق دادگاه عالی انجام می‌شود. این دادگاه مسئول نظارت بر عدم مغایرت قوانین مصوب با قانون اساسی است (الدسوکی، ۲۰۰۷: ۴۷). لازم به ذکر است که نظارت قضایی به این صورت است که هر شخصی حق دارد در صورت تصویب قوانین مغایر با حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مطرح در قانون اساسی، در مراجع قضایی طرح دعوی نماید. در صورتی که دادگاه

تشخیص دهد که قانون مصوب مغایر با قانون اساسی است، قانون مورد اشاره ملغی اعلام می‌شود (العدوان، ۲۰۰۱: ۱۹۵). حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مستلزم ابطال هر قانونی است که ناقض حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی باشد و هر کس حق دارد به قانون ناقض حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی معترض شود. نظارت قضایی بر کار دستگاه‌های اجرایی یکی از ابزارهایی است که منجر به حفظ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌شود، زیرا هدف این نظارت ملغی کردن قوانینی است که ناقض جنبه‌های اساسی است.

۲-۲. نظارت شبه قضایی

در طول سالیان اخیر به دلیل گسترده شدن نقش دولت‌ها، نظام قضایی ایجاد می‌کند که به دعاوی میان دولت و شهروندان در مراجع ویژه و با اصول خاص این دعاوی رسیدگی شود. به‌طور کلی، می‌توان گفت مراجع شبه قضایی آن دسته از مراجعی می‌باشند که صلاحیت رسیدگی آن‌ها منحصر به آن دسته از دعاوی علیه دولت و نهادهای کشور است که صراحتاً در صلاحیت آن‌ها قرار گرفته باشد. لذا این مراجع خارج از قوه قضاییه و معمولاً زیر نظر قوه مجریه فعالیت می‌کنند و نمی‌توان آن‌ها را دادگاه در معنای خاص آن نامید. حقوق عراق بر اساس اصلاحیه دوم قانون کنفرانس ملی مشورتی شماره (۱۰۶) مصوب ۱۹۸۹ که در ۱۰ ژانویه ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شد، قائل به نظارت شبه قضایی بر قوه مجریه شده است.

۲-۳. ضمانت‌های قضایی

منظور از ضمانت‌های قضایی، ضمانت‌هایی است که منجر به حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌شود. ضمانت قضایی، ضمانتی است که قانون‌گذار از طریق محاکم قضایی تعیین کرده است. بر این اساس چنانچه هر یک از افراد شاغل در مراجع قضایی باعث نقض حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی شود، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد. لازمه این امر وجود قوه قضائیه مستقل است. در صورتی که قوه قضائیه و قضات مستقل باشند، امکان حفاظت از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی وجود دارد (الکیلانی، ۱۹۹۹: ۲۵). اصل استقلال قضایی به‌عنوان یکی از اصول قانون اساسی مطرح می‌شود که قوه قضائیه را از احتمال دخالت سایر مراجع در حوزه قضایی خود مصون می‌دارد. اصل استقلال قضایی پیوند تنگاتنگی با اصل تفکیک قوا دارد (الطباطبایی، ۲۰۰۰: ۲۹)، زیرا این اصل ایجاد می‌کند که قوه قضائیه ارگانی برابر با قوه مقننه و مجریه و مستقل از آن‌ها باشد تا از طریق حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد، به‌عنوان ضامن آزادی‌های مردم و رسیدگی عادلانه به تضييع حقوق آن‌ها عمل نماید.

توفیق قوه قضائیه در ایفای نقشی که به آن محول شده است، حاصل نمی‌شود، مگر اینکه مرجعی کاملاً مستقل از قوه مقننه و مجریه باشد و نسبت به آن‌ها بی‌طرف باشد؛ بنابراین، اصل استقلال قضایی یک قاعده داخلی است که در محدوده روابط قوه قضائیه با سایر مراجع دولتی اعمال می‌شود و در واقع بر این اساس استوار است که مقامات مقننه و مجریه نباید در امور قوه قضائیه دخالت کنند و بنابراین دارای اختیارات قانون اساسی مستقل از سایر مراجع است (الکیالی، ۱۹۹۹: ۱۹۳). قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ بر اصل تفکیک قوا از سایر قوا تأکید کرده است: «قوه فدرال متشکل از قوه مقننه، مجریه و قضایی است که بر اساس اصل تفکیک قوا، اختیارات و وظایف خود را

اعمال می‌کند». در ماده ۱۹ قانون اساسی عراق آن تصریح شده است که مقام قضایی مستقل است و مطابق ماده ۸۸ قانون مورد اشاره، قضات مستقل هستند.

۲-۴. جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی

حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی تنها با قید در قانون اساسی قابل تضمین نیست و باید تضمین‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که عموماً تضمین‌کننده حقوق بشر است (المالکی، ۲۰۰۸: ۳۱). نقش جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی در این زمینه بسیار تأثیرگذار است. این امر البته از طریق تحقق روندهای دموکراتیک و تحقق حاکمیت قانون امکان‌پذیر است. کنفرانس جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۹۳ در وین برگزار شد، بر رابطه متقابل بین دموکراسی و حقوق بشر در ماده ۸ تأکید و بیان می‌کند که «دموکراسی، توسعه و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به هم پیوسته و متقابلاً تقویت می‌شوند». لازم به ذکر است که نقش افکار عمومی در حفظ و حراست از حقوق بشر با فرهنگ اجتماعی و میزان آگاهی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی پیوند خورده است که بی‌شک از طریق آموزش و آموزش افکار و اصول افراد جامعه محقق می‌شود. برای رعایت و ضمانت اجرای حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی لازم است نوعی حساسیت نسبت به این حقوق در افکار عمومی ایجاد شود. قانون اساسی عراق نیز این امر را تأیید می‌کند، زیرا در ماده ۴۳ آن چنین آمده است: ۱. دولت از تقویت نقش، توسعه و استقلال نهادهای جامعه مدنی برای دستیابی به اهداف مشروع آن‌ها به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز حمایت می‌کند. ۲. لازم است مراجع ذیصلاح، به‌ویژه وزارت حقوق بشر و نهادهای وابسته به آن، برای حمایت از حقوق بشر، کنفرانس‌هایی در راستای افزایش آگاهی عمومی برای تثبیت مفهوم حقوق بشر و تضمین آن برگزار کنند. ۴. انتشار نشریات و مجلات مرتبط با مسائل حقوق بشر و تبیین مفاهیم آن و انتشار موافقت‌نامه‌های بین‌المللی برای حمایت از حقوق بشر و تضمین عدم نقض آن‌ها، ضروری است.

۳. سازوکارهای تقویت تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی

در حقوق ایران و عراق، تدابیری در راستای اجرای حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و حمایت از این حقوق در نظر گرفته شده است. باین حال به نظر می‌رسد تحقق ضمانت اجرای کامل این حقوق و آزادی‌ها مستلزم الزاماتی است که در ادامه به بررسی دو مورد از این الزامات شامل تحقق حاکمیت قانون و اصل تفکیک قوا پرداخته می‌شود.

۳-۱. تحقق حاکمیت قانون

تضمین حقوق و آزادی‌های فردی جدای از یک نظام حقوقی و یک حکومت قانون‌مدار قابل تصور نیست و زمانی یک حکومت، حکومت قانون‌مدار تلقی می‌شود که ماشین حقوقی آن مبتنی بر سلسله‌مراتب هنجارها و تقسیم صلاحیت‌ها بوده و به‌گونه‌ای قانونمند عمل نماید (هریسی نژاد، ۱۳۸۲: ۱۹۸-۱۷۶). به‌عبارت‌دیگر معنای حاکمیت قانون این است که تمامی مقامات حکومت همواره در تصمیماتی که می‌گیرند و اعمالی که انجام می‌دهند این تصمیمات و اعمال خواه ناظر به شخص یا اشخاص معین باشد، مانند تصمیمات انفرادی و احکام و غیره و خواه ناظر به عموم باشد (مانند آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها)، قوانین و مقررات را رعایت کنند. تابع قانون بودن دستگاه‌ها

و سازمان‌های عمومی زاینده افکار آزادی‌طلبی است که حکم می‌کند افراد در مقابل قانون تأمین و تضمین داشته باشند و مأموران و مقامات اداری نتوانند حقوق و آزادی‌های افراد را تضييع کنند (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۶: ۴۰۱). در اصطلاح حقوق اداری «رژیمی که بر پایه اصل حاکمیت قانون باشد رژیم مبتنی بر قانون (حقوق) و یا حکومت قانون و رژیم مقابل آن را رژیم یا حکومت پلیسی می‌نامند» (هداوند، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۶۴). نتیجه این اصل تحقق توأمان حکومت قانون، نظم و آزادی است. حکومت قانون در اصل بازدارنده، مهارکننده و محدودکننده است و باین‌حال ابزاری تضمین‌کننده سامان‌بخش، تسهیلگر و توانمند ساز است. در واقع، دولت قانونمند، بیانگر ساختار هنجاری و نماد یک دولت مدرن است که در آن وظیفه تضمین حق‌های فردی به نظام‌های حقوقی سپرده شده است که تمایل طبیعی قدرت سیاسی به سرکش و خودسری را مهار می‌نماید. در واقع امر حکومت قانون پیوندی خاص میان حکومت و قانون است که منفعت حاصل از آن به افراد جامعه می‌رسد. حکومت قانون با ایجاد محدودیت‌های حقوقی به گونه‌هایی بر رابطه میان افراد و حکومت اثر می‌گذارد که افراد از آن منتفع می‌شوند، یعنی حقوق و آزادی‌های افراد تضمین می‌شود.

۳-۲. تحقق اصل تفکیک و تعادل قوا

از دیدگاه حقوق و آزادی شکل حکومت و ساختار سیاسی آن و چگونگی روابط فی‌مابین حکومتی از اهمیت بسزایی برخوردار است (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۰: ۱۸۷-۱۸۶). از این رو منتسکیو عقیده داشت، «مشارکت مردم در اعمال حاکمیت باعث تأمین آزادی و رعایت حقوق اساسی ملت‌ها نیست و آزادی و حقوق ملت وقتی تأمین می‌شود که ملت از ظلم و تعدی زمامداران محفوظ بمانند و این مصونیت از تعدی و ظلم از راه تفکیک قوا حاکم حاصل می‌شود» (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۲۴). «به نظر وی در هر کشور حاکمیت در سه اقتدار خلاصه می‌شد اقتدار تقنینی، اقتدار قضایی و اقتدار اجرایی این دانشمند عقیده داشت این سه اقتدار باید درید اشخاص مختلف باشند و دارند هر اقتدار از دو اقتدار دیگر آزاد و مستقل بماند و فقط در این صورت است که حقوق و آزادی‌های فردی و آسایش مردم تأمین می‌شود. چراکه تاریخ نشان می‌دهد متصدیان حکومت اگر قدرتشان محدود نباشد از قدرت سوء می‌کنند و آزادی را از ملت سلب می‌نمایند» (Homer, 1906: 639-340). «اگر مثلاً قوه مقننه و اجرائیه در دست یک نفر یا یک گروه یا تمام قوا گیرد، شخص واحد یا گروه یا تمام ملت قوانین ظالمانه وضع می‌کنند و با تمام بی‌رحمی آن‌ها را به اجرا درمی‌آورند و همچنین اگر قوه اجرائیه از قوه قضاییه جدا نباشد، قضای احکام ظالمانه‌ای صادر و با وضع ظالمانه‌ای آن را اجرا می‌کند. باید توجه شود که منتسکیو تفکیک قوا را برای تأمین حقوق و آزادی‌ها کافی نمی‌داند و معتقد است که باید در بین قوا تعادل باشد که یکی بر دیگر تسلط پیدا نکند» (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۲۴). در هر حال، نظریه منتسکیو، انقلابیون فرانسه را سخت تحت تأثیر خود قرار داد. تا جایی که نویسندگان اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ آن را الزام‌آورترین اصول حقوق فرانسه و شالوده حکومت خود را بر پایه آن قرار دادند چراکه در ماده ۱۶ این اعلامیه مقرر شده است: «در جامعه‌ای که حقوق افراد تضمین و تفکیک قوا برقرار نشده باشد قانون اساسی وجود ندارد» (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). از این رو به نظر می‌رسد، نظریه تفکیک قوا چه به‌طور مطلق و چه نسبی تدبیر اساسی برای جلوگیری از تمرکز قدرت سیاسی در دست یک فرد یا گروهی از فرمانروایان و پرهیز از خودکامگی جلوه می‌کند (Rafael La and others, 2002: 3-5).

در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز اصل ۵۷ قانون اساسی تفکیک قوا را به‌طور نسبی پذیرفته است. هر یک از قوا متصدی امری از امور زمامداری و اعمال کننده بخشی از حاکمیت‌اند. با اینکه مبنا و فلسفه تمایز و استقلال سه قوه در جمهوری اسلامی متفاوت از تفکیک قوای مرسوم دنیا است؛ معذالک اصل تفکیک قوا پذیرفته شده است. اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود.^۱ اعمال قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده است از طریق رئیس‌جمهوری و وزرا است.^۲ رئیس‌جمهور منتخب مستقیم مردم و وزرا منتخب مجلس شورای اسلامی می‌باشند. اعمال قوه قضاییه به‌وسیله دادگاه دادگستری است که به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش اجرای عدالت و اقامه حدود الهی می‌پردازند.^۳ با وجود اینکه هر سه قوه زیر نظر رهبری اعمال حاکمیت می‌کنند^۴ و ظاهراً تمرکز قدرت و اقتدار وسیعی را برای رهبری نشان می‌دهد، ولی موضع صریح قانون اساسی در محو استبداد^۵ و شیوه‌های نظارت که بر رهبری مقرر شده است،^۶ البته تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران، تنها به جهت کارآمدی نظام به رسمیت شناخته شده و نظارت عالی رهبری بر قوای سه‌گانه به دلیل پذیرش نظام ولایت امر و امامت امت است. این در حالی است که هدف غایی اصل تفکیک قوا «حفظ حقوق شهروندی» است، زیرا مانع تمرکز قدرت در دست اقلیتی محدود و تقسیم وظایف میان قوای مختلف خواهد شد. تفکیک قوا، نوعی توازن و تعادل بین قوای سه‌گانه است، هر کدام بتوانند بدون دخالت و خارج از نفوذ دیگری بر انجام وظایف و تحقق اهداف خاص خود قادر گردند.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی این سؤال پرداخته شد که برای تحقق حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران و عراق، چه تضمیناتی در نظر گرفته و تدوین شده است؟ نتایج نشان داد در قانون اساسی جمهوری اسلامی، سازوکار حمایتی کاملی برای تضمین آزادی پیش‌بینی نشده است. البته با توجه به جایگاه قانون اساسی، نحوه تأکید آن بر حقوق ملت و آزادی‌های فردی و اجتماعی را می‌توان به‌گونه‌ای الزام به تضمین آن توسط نهادهای حاکمیت اعم از نهادهای اجرایی، قضایی و تقنینی دانست. با این وصف تعیین چارچوب‌های موجود حائز اهمیت است. در نظام حقوقی ایران نقش نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نمایندگان ملت در تأمین حقوق و آزادی‌ها بسیار مهم است، چراکه آن‌ها می‌توانند از ابزارهایی چون کمیسیون اصل ۹۰ و تذکر سؤال و استیضاح به‌عنوان ضمانت اجرای سیاسی علیه ناقضین حقوق و آزادی‌های فردی و به طریق اولی هیئت‌وزیران بهره‌مند شوند. رئیس‌جمهور نیز متعهد به اجرای اصول قانون اساسی است و حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است. قوه قضائیه نیز از طریق مراجع قضایی در تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. قانون مجازات اسلامی تعدیات مأمورین دولتی نسبت به حقوق و آزادی‌های فردی را گاه به‌طور ضمنی و تلویحی تضمین نموده و در برخی دیگر از مواد (فصل دهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) به‌طور صریح و روشن از

۱- اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی

۲- اصل شصتم قانون اساسی

۳- اصل شست و یکم قانون اساسی

۴- اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی

۵- اصول سوم و ششم قانون اساسی

۶- اصول یکصد و هفتم، یکصد و یازدهم و یکصد و چهارم و دوم قانون اساسی

مصادیق حقوق و آزادی‌های فردی از قبیل هتک حرمت مراسلات مخابرات پاسداری شده و برای نقض‌کنندگان آن مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است. در این بین نباید از ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی به‌سادگی گذشت موضوع جرم این ماده آزادی شخصی افراد ملت و حقوق مقرر در قانون اساسی است که به‌واسطه اقداماتی سلب و یا محدود می‌گردد اما در اینجا باید خاطر نشان کرد، سیاق عبارات این احکام همانند سایر قوانین مرتبط با حقوق و آزادی‌های فردی، کلی بوده، جنبه کیفی و تفسیری دارند. در حقوق عراق نیز برای تحقق حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی تضمیناتی در نظر گرفته شده است که عمدتاً از طریق نظارت بر قانون اساسی صورت می‌گیرد. البته هر شهروندی در صورت نقض حقوق و آزادی‌ها خود می‌تواند از طریق مراجع قضایی طرح دعوی نماید. در کل به نظر می‌رسد موضوع ضمانت‌های واقعی برای تضمین حقوق و حفظ آزادی‌ها، برآیند متمدنانه رفتار دولت، مقامات آن و نهادها و دستگاه‌های برخاسته از آن از یک سو و رفتار جامعه حاکم بر آن از سوی دیگر است. ضمانت‌ها در وجود واقعی حاکمیت قانون، تجلی می‌یابد. در غیر این صورت، ضمانت‌ها ناقص یا ناکارآمد است.

منابع

فارسی

- اسداله‌زاده، علی؛ پروین، خیرالله (۱۳۹۷). «تحلیل مصادیق «حقوق ملت» و محدوده مشروعیت آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۵، ش ۵۴، صص ۲۶-۷.
- آقایی، محب اله (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ایران و شورای دولتی فرانسه، ج ۱، تهران: انتشارات جاودانه/ جنگل.
- امامی، محمد؛ استوار سنگری، کورش (۱۳۹۱). حقوق اداری، ج ۲، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
- پیروزفر، مهدی؛ ولی‌زاده میدانی، رامین؛ اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مانیفست فکری جریان ملی گوروش ترکیه»، مجله مطالعات بیداری اسلامی، سال ۵، ش ۹، صص ۱۲۴-۹۷.
- حجتی، سید مهدی (۱۳۸۴). قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، چ ۳، تهران: انتشارات میثاق عدالت.
- خالقی، علی (۱۳۹۲). آیین دادرسی کیفری، چ ۲۲، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- دادنامه شماره (۲۷۱/۲۷۰)، به تاریخ (۳۷۹/۱۱/۱۷)، صادره از (هیأت عمومی دیوان عدالت اداری).
- دادنامه شماره (۱۱۸/۷۵)، به تاریخ (۱۳۷۵/۱۰/۱۷)، صادره از (هیأت عمومی دیوان عدالت اداری).
- زراعت، عباس (۱۳۹۰). بطلان در آیین دادرسی کیفری، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۸). حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، چ ۷، تهران: انتشارات مجد.
- شایان فر، جواد؛ سالارزایی، امیرحمزه (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان»، مجله اندیشمندان حقوق، دوره ۶، ش ۵، صص ۱۱۲-۹۱.
- طباطبائی مومتمنی، منوچهر (۱۳۸۶). حقوق اداری، چ ۱۳، تهران: انتشارات سمت.
- طباطبایی مومتمنی، منوچهر (۱۳۹۰). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چ ۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۶). مبانی حقوق عمومی، چ ۲، تهران: نشر دادگستر.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چ ۱۲، تهران: انتشارات دادگستر.
- قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۹۱). بایسته‌های حقوق اساسی، چ ۴۵، تهران: نشر میزان.
- کشاورز، علی (۱۳۷۵). محشای قانون تعزیرات، چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴). حقوق جزای اختصاصی، چ ۱۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمد نژاد، پرویز (۱۳۷۸). «تضمین‌های حقوقی متهم در حقوق کیفری ایران»، مجله اصلاح و تربیت، سال ۵، ش ۵۸، صص ۴۰-۳۵.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۰). حقوق اساسی و نهادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران، چ ۱، تهران: انتشارات همراه.
- نوروزی، قدرت الله (۱۳۸۸). «نقش دیوان عدالت اداری در توسعه و حمایت از حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، سال ۱، ش ۶۷، صص ۲۸۰-۲۴۱.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، ج ۲، چ ۱۶، تهران: انتشارات میزان.

- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ج ۲، تهران: نشر میزان.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۲). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، ج ۲، تهران: انتشارات میزان.
- هداوند، مهدی (۱۳۹۱). حقوق اداری تطبیقی، ج ۱، چ ۳، تهران: انتشارات سمت.
- هریسی نژاد، کمال الدین (۱۳۸۲). «تضمینات حقوقی حقوق بشر»، مجله کانون وکلای استان آذربایجان شرقی، ش ۲، صص ۱۹۸-۱۷۶.
- هریسی نژاد، کمال الدین (۱۳۹۱-۱۳۹۲). تقریرات حقوق اداری ایران، چ ۱، تبریز: انتشارات دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۱). حقوق جزای اختصاصی، ج ۳، چ ۷، تهران: انتشارات امیر کبیر.

عربی

- الدسوقی، حمد عبدالحمید (۲۰۰۷). الحماية الموضوعية والاجرائية لحقوق الإنسان في مرحلة ما قبل المحاکمة، الطبعة الاولى، القاهرة: دار النهضة العربية.
- الشبر، طارق (۲۰۰۵). «حول الضمانات الدستورية والسياسية في الوطن العربي»، مجله المستقبل العربي، السنة الاول، العدد ۳۱۱، صفحة ۱۲۳-۹۲.
- الطباطبائي، عادل (۲۰۰۰). الحدود الدستورية بين السلطتين التشريعية والقضائية، الطبعة الثالث، الكويت: مجلس نشر العلمي.
- العاني، حسان محمد شفيق (۲۰۰۴). نظريه الحريات العامه، الطبعة الاولى، بغداد: مطبوعات جامعه بغداد.
- العدوان، مصطفى عبدالكريم (۲۰۰۱). حقوق الانسان - دراسة مقارنة في ضل الانظمة السياسية، الطبعة الرابع، الاردن: دار وائل للطباعة.
- الكيلاي، فاروق (۱۹۹۹). استقلال القضاء، الطبعة الاولى، بيروت: مركز العربي للمطبوعات.
- المالكي، هادي نعيم (۲۰۰۸). المدخل لدراسة القانون الدولي لحقوق الإنسان، الطبعة الاولى، بغداد: دارالسلام.

لاتین

- Cees van, Dam(2014).European Tort Law Liability of Public Authorities,1th ed,UK: Published to Oxford Scholarship Online.
- Fellman, David(1958). “Constitutional Law in 19561957-”, <http://www.jstor.org/stable/1953019?&Search=yes&term=constitution>.
- Homer, Reed. J(1906). “Constitutional Theories in France in the Seventeenth and Eighteenth”, Quarterly Science Centuries Political, Vol.21,No.4,pp;639- 640
- Rafael La, Porta and others (2002). The Guarantees of Freedom, 2th ed,USA: Published Harvard University.

چکیده تفصیلی

حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی یکی از موضوعات کلیدی در حوزه حقوق بشر است که در دهه‌های اخیر با توجه به جهانی شدن حقوق بشر و افزایش آگاهی‌های عمومی، اهمیت بیشتری یافته است. این تحولات، به‌ویژه در زمینه بررسی ضمانت‌های حقوقی این حقوق، ضروری به نظر می‌رسد. در این میان، رویکرد تطبیقی می‌تواند ابزار مفیدی برای بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان نظام‌های حقوقی مختلف در زمینه‌ی حمایت از حقوق و آزادی‌ها باشد. مقاله حاضر تلاش دارد تا به بررسی تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در دو کشور ایران و عراق پرداخته و ویژگی‌های مشترک و تفاوت‌های موجود در این زمینه را تحلیل کند. هدف اصلی این مقاله پاسخ به این سؤال است که تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران و عراق چه ساختارهایی دارند و این ضمانت‌ها تا چه حد در تضمین این حقوق مؤثر هستند؟ برای پاسخ به این سؤال، تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تضمین حقوق فردی و اجتماعی، وظایف رئیس‌جمهور در اجرای اصول قانون اساسی مرتبط با حقوق ملت است. رئیس‌جمهور در این راستا مسئول اجرای اصولی است که به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی پرداخته‌اند. علاوه بر آن، اختیارات کمیسیون اصل ۹۰ قوه مقننه و نظارت محاکم قضایی و شبه قضایی مانند دیوان عدالت اداری از دیگر سازوکارهای مؤثر در تضمین این حقوق در ایران هستند. در مقابل، در حقوق عراق، تصریح حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در قانون اساسی این کشور و نظارت قضایی بر اجرای اصول قانون اساسی از اصلی‌ترین روش‌های تضمین این حقوق به شمار می‌روند. علاوه بر این، نقش جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی در تضمین حقوق فردی و اجتماعی در عراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی تطبیقی این دو نظام حقوقی نشان می‌دهد که ایران نسبت به عراق، تضمینات گسترده‌تری برای حقوق فردی و اجتماعی فراهم کرده است. با این حال، برخی از حقوق اجتماعی مانند حق برگزاری تجمعات ممکن است در هر دو کشور تحت تأثیر مصالح عمومی مانند نظم عمومی قرار گیرد و ضمانت اجرایی برای آن تعریف نشده باشد. به عبارت دیگر، این حقوق ممکن است در شرایط خاص با محدودیت‌هایی مواجه شوند که نشان‌دهنده چالش‌های اجرایی در تضمین این حقوق است.

از دیگر یافته‌های تحقیق این است که حاکمیت قانون و رعایت اصل تفکیک قوا در هر دو کشور ایران و عراق، تأثیر زیادی بر تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی دارد. در ایران، قانون اساسی اصل تفکیک قوا را به‌طور نسبی پذیرفته است، هرچند که در نظام جمهوری اسلامی، تفکیک قوا از نظر فلسفی و اصولی با تفکیک قوای مرسوم در دیگر نظام‌های حقوقی جهان متفاوت است. به این ترتیب، هر یک از قوا در جمهوری اسلامی ایران مسئول بخشی از امور اجرایی، تقنینی و قضایی کشور هستند و این تقسیم وظایف می‌تواند در اجرای بهتر حقوق و آزادی‌ها نقش مؤثری داشته باشد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور و وزرا متعهد به اجرای اصول قانون اساسی هستند و نظارت‌های پارلمانی و قضایی در جهت تحقق حقوق و آزادی‌ها اعمال می‌شود. نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند از ابزارهایی چون کمیسیون اصل ۹۰، تذکر، سؤال و استیضاح برای نظارت بر اجرای اصول قانون اساسی و حقوق ملت استفاده کنند. همچنین، قوه قضائیه از طریق مراجع قضایی خود مسئول نظارت و تضمین اجرای حقوق فردی و اجتماعی است. قانون مجازات اسلامی نیز در برخی موارد، نظیر هتک حرمت مراسلات و حقوق فردی، ضمانت‌های اجرایی برای حفظ این حقوق پیش‌بینی کرده است. یکی از موارد مهم در این زمینه، ماده ۵۷۰ قانون

مجازات اسلامی است که آزادی شخصی افراد را در صورت نقض حقوق و آزادی‌ها توسط مقامات دولتی، تضمین می‌کند. این ماده با توجه به جملات کلی خود، جنبه کیفی دارد و ممکن است در عمل چالش‌هایی برای اجرای دقیق آن وجود داشته باشد. در نظام حقوقی عراق نیز مشابه ایران، اصول حقوق فردی و اجتماعی در قانون اساسی این کشور پیش‌بینی شده است. نظارت بر اجرای این اصول از طریق مراجع قضائی و همچنین امکان طرح دعوی از سوی هر شهروند در صورت نقض حقوق خود، از دیگر ضمانت‌های اجرایی در عراق است. در نهایت، این ضمانت‌ها نشان‌دهنده تعامل میان دولت، مقامات آن، نهادهای قضائی و جامعه است که در حفظ و تضمین حقوق فردی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند. در مجموع، نتایج تحقیق حاکی از آن است که تضمینات حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در هر دو کشور ایران و عراق در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، اما تفاوت‌هایی در نحوه اجرا و نظارت وجود دارد. در ایران، با توجه به سازوکارهای متعددی مانند نظارت رئیس‌جمهور، کمیسیون اصل ۹۰ و قوه قضائیه، این تضمینات از استحکام بیشتری برخوردار هستند. در حالی که در عراق، نظارت بر اجرای اصول حقوقی بیشتر از طریق مراجع قضائی و جامعه مدنی صورت می‌گیرد. نهایتاً، نکته‌ای که از این مقایسه به دست می‌آید، این است که ضامن واقعی تحقق و اجرای حقوق فردی و اجتماعی، نه تنها وجود مقررات قانونی است، بلکه حاکمیت قانون و اراده سیاسی برای اجرای این قوانین است که به تضمین حقوق بشر و آزادی‌های فردی کمک می‌کند. در غیر این صورت، تضمین‌ها ناقص و ناکارآمد خواهند بود.

کلیدواژه‌ها

تضمینات، حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق و آزادی‌های اجتماعی، حقوق ایران، حقوق عراق

Extended Abstract

Individual and social rights and freedoms are one of the key topics in the field of human rights, which have gained increasing importance in recent decades, particularly due to the globalization of human rights and the rise in public awareness. These developments, especially in terms of examining the legal guarantees of these rights, are considered essential. In this context, a comparative approach can be a useful tool for investigating the differences and similarities between different legal systems regarding the protection of rights and freedoms. This paper aims to examine the guarantees of individual and social rights and freedoms in Iran and Iraq, analyzing both the shared features and differences in this area. The main objective of this paper is to answer the question: What structures do the guarantees of individual and social rights and freedoms have in the legal systems of Iran and Iraq, and to what extent are these guarantees effective in ensuring these rights? To answer this question, the research is conducted using a descriptive-analytical approach and library-based methodology. The findings of this research indicate that in Iran's legal system, one of the most important mechanisms for guaranteeing individual and social rights is the duties of the President in

enforcing constitutional principles related to the rights of the people. The President is responsible for implementing the constitutional principles that address individual and social rights and freedoms. Additionally, the powers of the Parliament's Article 90 Commission and the oversight of judicial and quasi-judicial bodies such as the Administrative Justice Court are other effective mechanisms for ensuring these rights in Iran. In contrast, in Iraq's legal system, the explicit mention of individual and social rights and freedoms in the country's Constitution and judicial oversight of the enforcement of constitutional principles are among the main methods for guaranteeing these rights. Furthermore, the role of civil society and non-governmental organizations in ensuring individual and social rights in Iraq is of significant importance. A comparative analysis of the two legal systems reveals that Iran has provided broader guarantees for individual and social rights than Iraq. However, some social rights, such as the right to hold gatherings, may be subject to public interests like public order in both countries, and there may be no executive guarantee for these rights. In other words, these rights may face restrictions under specific conditions, reflecting the challenges in enforcing these rights. Another key finding of the research is that the rule of law and the observance of the separation of powers in both Iran and Iraq have a significant impact on the guarantee of individual and social rights and freedoms. In Iran, the Constitution has accepted the principle of separation of powers to a certain extent, although in the Islamic Republic system, the philosophical and principled approach to the separation of powers differs from that in other legal systems worldwide. Thus, each branch of government in the Islamic Republic of Iran is responsible for a portion of the executive, legislative, and judicial matters, and this division of responsibilities can play a vital role in the effective enforcement of rights and freedoms. In the Islamic Republic of Iran, the President and ministers are committed to implementing the principles of the Constitution, and parliamentary and judicial oversight is exercised to achieve the realization of rights and freedoms. Members of the Islamic Consultative Assembly (Majlis) can utilize tools such as the Article 90 Commission, questions, and motions of censure to monitor the implementation of the Constitution and the rights of the people. Additionally, the judiciary is responsible for overseeing and guaranteeing the implementation of individual and social rights through its judicial bodies. The Islamic Penal Code also provides executive guarantees for protecting these rights in certain cases, such as the violation of personal communications and individual rights.

One important provision in this regard is Article 570 of the Islamic Penal Code, which guarantees personal freedom in case of violations of rights and freedoms by government officials. This article, although general in its wording, has a qualitative aspect, and in practice, challenges may arise in its

precise enforcement. In Iraq's legal system, similar to Iran, the Constitution explicitly provides for individual and social rights. Oversight of the enforcement of these principles is carried out through judicial bodies, and citizens also have the right to file lawsuits if their rights are violated. Ultimately, these guarantees demonstrate the interaction between the government, its officials, judicial bodies, and society, all of which play an essential role in protecting and ensuring individual and social rights. Overall, the research findings indicate that while the guarantees of individual and social rights and freedoms are anticipated in the constitutions of both Iran and Iraq, there are differences in how these guarantees are implemented and monitored. In Iran, the guarantees are more robust, owing to various mechanisms such as the oversight of the President, the Article 90 Commission, and the judiciary. In contrast, in Iraq, monitoring the enforcement of legal principles is more heavily reliant on judicial bodies and civil society. Ultimately, the key takeaway from this comparison is that the true guarantor of the realization and enforcement of individual and social rights is not only the existence of legal provisions but also the rule of law and political will to implement these laws. Without this political will, the guarantees would remain incomplete and ineffective, failing to ensure human rights and individual freedoms.

Keywords:

Guarantees, individual rights and freedoms, social rights and freedoms, Iranian law, Iraqi law

